

## کارنامه نشر

### طرحی موفق که هنوز نیاز به تکمیل دارد!

□ خانه کتاب، کارنامه نشر: فهرست موضوعی کتابهای منتشر شده در سال ۱۳۸۱، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۲، سه جلد، ۲۷۳۶ ص، رحلی (شمیز)

● محمد احمدزاده  
mohamadi@hotmail.com

و کتابشناسی ملی ایران که توسط کتابخانه ملی ایران منتشر شده، در راستای پاسخ به همین نیاز بوده است، ولی گویا به خاطر کندی آن کتابخانه در پاسخگویی به این نیاز و با توجه به اینکه مجوز نشر کتاب در ایران توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود و قهراً آن وزارتخانه، نخستین مرکزی است که از مشخصات یک کتاب آگاه می‌شود و هم با توجه به نیازی که آن وزارتخانه به آمار دقیق و روزآمد نشر کشور جهت برنامه ریزی و سیاست گذاری امور فرهنگی دارد، مؤسسه خانه کتاب تاسیس شد تا پاسخگوی این نیازها باشد. آن چیزی که از هشت سال گذشته خانه کتاب را موفق کرده در نظام اطلاع رسانی گوی سبقت را از کتابخانه ملی بریاید، تکیه به جا بر سیستم‌های رایانه‌ای بود، چیزی که کتابخانه ملی به کندی و با وسواس بیش از حد به آن روی آورد و همین باعث شد که نظام BBS خانه کتاب از همان تاریخ تا کنون تنها مرجع روزآمد (online) اطلاعات کتاب کشور باشد. البته وسواسهای کتابداران به جاست و نباید دقت و هماهنگی و جامعیت را فدای سرعت کرد ولی نباید عامل تعیین کننده سرعت را هم در کتابشناسی نادیده گرفت؛ اگر کتابشناسی ملی ما به صورت روزآمد منتشر نشود، پاسخگوی کدام نیاز خواهد بود؟ اطلاع از کتابهایی که چند سال پیش منتشر شده‌اند و اکنون هم در بازار یافت نمی‌شوند، به چه کاری می‌آید؟ در هر صورت خوشبختانه کتابخانه ملی هم در حال حاضر بیش از پیش به اهمیت عامل سرعت در اطلاع رسانی پی برده است.

کارنامه نشر با مقدمه‌ای کوتاه آغاز شده سپس در جلد اول و دوم، کتابهای منتشر شده در سال گذشته را بر اساس رده‌بندی دیویی معرفی می‌کند. هر سه رقم صحیح رده دیویی (عدد پایه)، یک بخش را تشکیل می‌دهد و کتابهایی که رده آنها با آن سه رقم شروع می‌شود بر اساس ترتیب الفبایی عنوان کتاب، در آن بخش قرار می‌گیرد. البته در مورد رده‌های دین اسلام، تاریخ ایران و ادبیات ایرانی، دو، تاسه رقم پس از عدد پایه هم در نظر گرفته می‌شود، زیرا هر یک از این موضوعها حاوی عناوین زیادی می‌شوند که لازم است به نوبه خود به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم شوند. هر عنوان کتاب با یک شماره سریال (از ۱ تا ۳۲۸۰۱) شروع می‌شود و سپس به ترتیب زیر معرفی می‌شود:



از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۱، هفت سال است که روزآمدترین فهرست کتابشناسی کشور توسط مؤسسه خانه کتاب منتشر می‌شود. آخرین شماره آن که در اردیبهشت سال ۱۳۸۲ به بازار آمده است، ۳۲۸۰۱ عنوان کتاب منتشر شده در کشور در طول سال ۱۳۸۱ را معرفی می‌کند. طی هفت سال گذشته، کارنامه نشر در میان علاقه‌مندان به کتاب، تا حد زیادی، ارزش و اعتبار خود را پیدا کرده است و اکنون برای آمار نشر کشور به عنوان یک سند رسمی قلمداد می‌شود. این اثر به تدریج و به صورت هفتگی و ماهانه در قالب کتاب هفته و کتاب ماه (کلیات، دین، علوم اجتماعی، علوم و فنون، هنر، ادبیات و فلسفه، تاریخ و جغرافیا و کودک و نوجوان) منتشر می‌شود. ولی کارنامه سالانه نشر کشور، با توجه به نمایه‌ها و مطالعات آماری که در کنار آن قرار می‌گیرد، اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین اطلاعات کتابها روی لوح فشرده کتیبه در اختیار قرار می‌گیرد و از روی سایت نه چندان کارآمد و تقریباً همیشه پرمشکل خانه کتاب (www.ketabnet.org.ir) نیز قابل دسترسی است.

کارنامه نشر را باید در زمره کتابشناسی‌های ملی قرار داد. گر چه انتشار این گونه کتابشناسی‌ها بیشتر به عهده کتابخانه‌های ملی است

عنوان اصلی: عنوان فرعی.

نام مستند پدید آورندگان (نام سپس نام خانوادگی) و ذکر نقش آنان (اگر پدید آورنده اصلی نباشند) - محل نشر: نام ناشر. - شماره صفحات. - قطع (نوع جلد). - قیمت. - نوبت چاپ / شمارگان.

عنوان به زبان دیگر.

شابک

رده کنگره (در برخی موارد)

چکیده. (برای اکثر کتابهای چاپ اول)

فرآیندی بغرنج و معمولاً محصول زحمات تعداد زیادی از متخصصان است که غالباً هم دارای زاویه دیدهای متفاوت هستند. به عنوان مثال همین کتاب، نتیجه زحمات سه گروه کتابداران، برنامه نویسان رایانه و مدیران اجرایی است، سه گروهی که از نظر میزان دقت، سرعت و برنامه کاری، پیرو اصول کاملاً متفاوتی هستند. در میان هر یک از این گروه‌ها نیز افراد مختلف با برنامه کاری مخصوص به خود، مشغول به فعالیت هستند. چه بپذیریم چه نپذیریم، این واقعیتی است که امروزه یک کتاب مرجع، آشی است که حاصل زحمات چندین آشپز است و مهمترین عاملی که می‌تواند این آش را به غذایی لذیذ تبدیل کند: نخست تدوین یک نظام و برنامه صحیح و کارآمد است و در مرحله دوم، وجود سر ویراستاری لایق و دانشمند. در حقیقت برای سنجش یک پروژه بزرگ مرجع، باید این دو عامل را محک زد و با بررسی زوایای مختلف کار، به بررسی کارآمدی هر یک از این دو پرداخت و الا هیچ کار مرجع و به طور کلی هیچ پروژه بزرگی را نمی‌توان براساس اشکالات جزئی و ناهماهنگی‌های پراکنده آن سنجید، زیرا استوارترین آثار بشر هم هیچگاه از این گونه مشکلات خالی نیست و به خصوص در فعالیتهای اطلاع رسانی با توجه به لزوم حفظ سرعت مطلوب و حجم بالای اطلاعات، خیلی عادی است که کم دقتی و ناهماهنگی‌هایی به صورت جسته و گریخته مشاهده شود. به عبارت دیگر نقد یک پروژه بزرگ مرجع که دستاورد یک کارگروهی است با نقد یک تک نگاری متفاوت است و به کارگیری شاخص‌های ویژه‌ای را می‌طلبد. با در نظر گرفتن این نکته به بررسی سازه‌های اصلی کارنامه نشر می‌پردازیم.

#### ماخذشناسی

با ارائه خدمات فیپا (فهرست نویسی پیش از انتشار) توسط کتابخانه ملی، ماخذشناسی کتابهای منتشر شده در کشور، به راحتی انجام می‌گیرد. اما هنوز ظرافت‌هایی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. نخست آن که فیپا مربوط به پیش از انتشار است و گاهی مشخصات کتاب پس از انتشار، در شماره صفحات یا مشخصات دیگر، با آنچه در فیپا آمده متفاوت است. دیگر آن که متاسفانه در بسیاری از موارد، فیپا از کتابخانه ملی دریافت نمی‌شود و توسط خود ناشر تهیه می‌گردد و گاهی هم کتابخانه ملی دقت لازم را در درج مشخصات و به خصوص تعیین سرشناسه انجام نمی‌دهد. تمام این موارد باعث می‌شود که فیپا به طور صد در صد، مورد اطمینان مؤسسات اطلاع رسانی قرار نگیرد و نیاز به واریسی مجدد داشته باشد. در اینجاست که نقش سر ویراستار در یک دست شدن کار، پررنگ می‌شود. تشخیص پدیدآورنده اصلی از پدید آورندگان دستیار (نگاه کنید به شماره‌های ۸۴۰ و ۸۵۶، ۸۴۱ و ۸۵۷)، تشخیص نام دقیق پدید آورنده از متن اثر (نگاه کنید به نمایه پدید آورنده که با مراجعه‌ای سطحی نام کامل «طبرسی» به صورت «طبرسی، فضل بن سهل» مستند می‌شود یا «سبحانی، جعفر» که مشخص است همان «سبحانی تبریزی، جعفر» بوده است یا «الهی قمش‌های» که مشخص است «الهی قمش‌های، مهدی» بوده است) و یکدست نبودن نامها (نگاه کنید به ص ۲۳۵) «سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر» و

در جلد سوم که حجم کمتری نسبت به دو جلد دیگر دارد، پنج نمایه عنوان، پدید آورنده (بر اساس نام مستند و بدون ارجاع)، موضوع (بر اساس سر عنوانهای موضوعی فارسی و کتابخانه کنگره)، ناشر و نمایه شماره تلفن ناشر، آمده است. در پایان، دو جدول و پنج نمودار در مورد نشر کشور در سال ۱۳۸۱ ارائه شده است.

کارنامه نشر یک بار در شماره پیاپی نهم از همین مجله توسط آقای فرامرز مسعودی در مقاله‌ای با عنوان «روز آمد اما کم دقت: نگاهی به کارنامه نشر ۱۳۷۶» مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان در آن مقاله به بررسی ابعاد چهارگانه روز آمدی، کارآمدی و جامعیت، هماهنگی و بالآخره دقت و صحت این اثر پرداخته‌اند. مقاله مزبور بسیار قابل استفاده بود و برخی نکاتی که ایشان متذکر شدند در شماره‌های بعدی کارنامه نشر مد نظر قرار گرفت ولی برخی نکات که اتفاقاً مهم هم بود، با گذشت پنج سال، هنوز هم مورد توجه قرار نگرفته است. از جمله مهمترین اشکالاتی که ایشان تحت عنوان «مفهوم و مصداق» به معنای مطابقت موضوع کتابها با رده‌های دیوئی مطرح کرده بودند، هنوز پابرجاست و بعضاً یک کتاب به صورت تکراری در دو رده آورده شده است (نگاه کنید به شماره‌های ۸۴۰ و ۸۵۶، ۸۴۱ و ۸۷۵) یا دو کتاب مشابه، از هم جدا شده‌اند (نگاه کنید به شماره‌های ۶۱۱ و ۱۹۷۲۴). اشکال دیگری که مورد توجه قرار نگرفته است، نابسامانی نظام الفبایی به کار گرفته شده است (نگاه کنید به نمایه عنوان، زیر واژه «فرهنگ»)، همینطور «ال» تعریف در ابتدای عناوین که به صورت دوگانه با آن برخورد شده است (از طرفی نگاه کنید به نمایه عنوان، زیر «ال» و از طرف دیگر ده‌ها عنوانی را ببینید که «ال» تعریف در موقعیت آن در فهرست در نظر گرفته نشده است، مانند: الکشکول، الفتاوی، الولایه و...). یکی دیگر از اشکالات مهم که بر اثر سرشناسه قرار دادن عنوان ایجاد شده، جدا شدن کتابهایی است که با هم ارتباط محتوایی دارند، مثلاً کتابی که ترجمه کتاب دیگر است، یا دو ترجمه از یک کتاب، یا کتابی که در شرح آن کتاب نوشته شده است، برحسب تفاوت عنوان، از هم جدا می‌شوند. در هر صورت با توجه به تفصیلی که آقای مسعودی در مقاله خود داده‌اند، ما دیگر وارد جزئیات این اشکالات نمی‌شویم و امیدواریم که دست‌اندرکاران، دلایل خود برای عدم توجه به این نکات را به مجله بفرستند تا مورد استفاده خوانندگان قرار گیرد.

نکته‌ای که نباید در نقد و بررسی کتابهای مرجع نادیده گرفته شود، آن است که یک کتاب مرجع، حاصل یک نظام پیچیده و نتیجه

«سلطانعلیشاه، سلطان محمد بن حیدر» که به خاطر حذف یک فاصله، دو اسم، در نظر گرفته شده‌اند) مواردی است که متأسفانه آن گونه که شایسته این اثر بوده، رعایت نشده است. علاوه بر آن جای اطلاعات افزوده مانند تاریخ تولد و وفات پدیدآوردگان که کمک شایانی به شناسایی پدیدآوردگان می‌کند و همین طور ارجاع نامهای دیگر به نام شهر، خالی است.

از موارد دیگری که کم دقتی در آن مشاهده می‌شود و باز به سروراستار باز می‌گردد، ثبت نادرست عناوین عربی و لاتین است که متأسفانه به راحتی به چشم می‌آید. در مورد عناوین انگلیسی، استفاده از نرم افزارهای هوشمندی که تصحیح متن دارد (مانند Word) به سادگی می‌تواند جلوی بسیار از اغلاط را بگیرد. در یک جمع بندی می‌توان نتیجه گرفت که اشکالات مربوط به ماخذشناسی جز در مورد به کار نبردن نرم افزارهای هوشمند، که اشکالی سیستمی است، به سر ویراستار بر می‌گردد. البته لازم به ذکر است که نام سر ویراستار در شناسنامه نیامده است، ما این را به معنای نبود سر ویراستار نمی‌گیریم، زیرا انجام پروژه‌های به این بزرگی بدون نظارت داشتن یک مدیر علمی لایق، از خانه کتاب بعید است، بلکه بنا را بر این می‌گذاریم که مشخص نشده است کدام یک از پدیدآوردگان یا چه مقام سازمانی در خانه کتاب سر ویراستار این اثر بوده است.

#### چکیده نویسی

در مقدمه کتاب آمده است که اکثر کتابهایی که برای اولین بار به چاپ رسیده‌اند، دارای چکیده هستند، با این استثناء که چکیده کتابهای کمک درسی، تست‌ها و آزمون‌ها تهیه نشده است. اولاً واژه «اکثر» قدری مبهم است، زیرا نمی‌توان دریافت که ملاک انتخاب کتاب برای چکیده نویسی چه بوده است، برخی از کتابهای مرجع و ارزشمند مانند دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی چکیده نشده و گاهی کتابهای بسیار سطحی به تفصیل معرفی شده‌اند! گاهی هم دیده می‌شود که کتابهای کمک درسی و حتی تست‌های چهار جوابی نیز دارای چکیده هستند (برای نمونه شماره ۱۶۱۷۹).

از این نابسامانی که بگذریم، خود چکیده‌ها بسیار ناهماهنگ نوشته شده‌اند. ظاهراً هر چکیده نویسی مطابق ذوق و سلیقه خود، قلم را به دست گرفته و کتاب را متناسب با علاقه خودش و فرصتی که در اختیارش داشته، معرفی کرده است. بسیاری از چکیده‌ها صرفاً صفحه فهرست مندرجات کتاب را بیان کرده‌اند و برخی دیگر بخشی از مقدمه کتاب را هم عیناً نقل کرده‌اند و برخی دیگر به حدی بی‌محتواست که چیزی فراتر از مشخصات ماخذشناسی کتاب را در اختیار نمی‌گذارد! البته کم و بیش چکیده‌هایی هم دیده می‌شود که مینیاتور اثر را به شکلی عالمانه به تصویر می‌کشد و واقعاً چکیده کتاب است و مراجعه کننده را کاملاً از هدف تالیف کتاب، سطح آن، روش مؤلف و جایگاه کتاب در میان آثار مشابه و اهم محتویات کتاب، آگاه می‌کند. در هر صورت علی‌رغم تلاش زیادی که در کارنامه نشر برای معرفی محتوای کتابها و ارائه چکیده برای کتابهای چاپ اول صورت گرفته، به خاطر نظام‌مند نبودن، حاصل آن چندان کارآمد

نیست!

#### نمایه سازی موضوعی

اصولاً کتابشناسی‌ها برای این سامان می‌یابند که کاربران بتوانند کتابهای مورد نظر خود را در آنها جست و جو کنند. بیشتر مراجعه کنندگان، موضوع خاصی را در نظر دارند و می‌خواهند در آن موضوع، منابع قابل استفاده را پیدا کنند. از این رو بدنه اصلی بسیاری از کتابشناسی‌ها از جمله همین کتابشناسی، به صورت موضوعی شکل گرفته است. از طرف دیگر، طبیعی است که یک کتاب، معمولاً بازمینه‌های موضوعی مختلفی ارتباط پیدا می‌کند و یک کتابشناسی خوب باید کتاب را زیر اهم موضوعات آن جای دهد و از زیر دیگر موضوعات، به آن ارجاع دهد. ولی از طرف دیگر، رده بندی‌ها از جمله رده بندی دیویی برای سازمان دادن به چیدمان کتابها در قفسه کتابخانه طراحی شده‌اند و چون یک کتاب فقط می‌تواند در یک جایگاه قرار بگیرد، هیچگونه سیستم ارجاعی در منابع ندارند.

کارنامه نشر هم از آن جهت که رده بندی دیویی را به عنوان محور اصلی انتخاب کرده است و هم می‌خواسته نیاز مراجعه کنندگان را بر آورده سازد، سعی کرده است با دو روش، این خلأ را پر کند. روش اول، چنان که در مقدمه هم آمده، این بوده که کتابهایی که زیر رده موضوعی اهم خود معرفی شده‌اند، رده مهم هم در داخل علامت [ ] نمایش داده شود (مانند شماره ۱۹۷۲۴). متأسفانه این روش هیچ فایده‌ای برای کاربران ندارد، زیرا کتاب را باید از جایی که نیست به جایی که هست ارجاع داد، نه این که زیر کتاب، اطلاعات تکمیلی آورد، چون تمام این کارها به خاطر آن است که مراجعه کننده از هر طریق ممکن به کتابی که مورد نظر اوست، دسترسی پیدا کند نه اینکه وقتی کتاب را پیدا کرد، بداند که این کتاب ممکن است به رده دیگری هم ارتباط پیدا کند!

روش دوم اختصاص بخشی به نمایه موضوع است که در جلد سوم به عنوان سومین نمایه آورده شده است. این روش بسیار کارآمد است ولی قدری نیاز به تقویت دارد. از جمله هر چه موضوعاتی که کتاب با آنها ارتباط دارد به صورت وسیع تر و دقیق تر و هماهنگ تر استخراج شود، این بخش کارآمدتر خواهد بود. از نظر شکلی بهتر است که موضوع اعم، تکرار نشود به عنوان مثال، «فولاد ساختمانی» اعم است و موضوع بعدی به صورت «فولاد ساختمانی - جدولها و نمودارها» آورده شده ولی بهتر بود که موضوع دوم با چند فاصله تورفتگی و بدون تکرار موضوع اعم آورده می‌شد. از طرف دیگر به کار گرفتن علامت « - » بین شماره‌ها به معنای از شماره اول تا شماره دوم است و باید برای شماره‌های مجزا از «،» استفاده کرد که متأسفانه در تمام موارد از علامت «» استفاده شده است.

در پایان لازم به تذکر مجدد است که تمام مواردی که ذکر شد از اهمیت این اثر ارزشمند نمی‌کاهد و فقط برای بالاتر رفتن میزان بهره‌وری از زحماتی که کشیده می‌شود. در قالب پیشنهاداتی ارائه گردیده است.